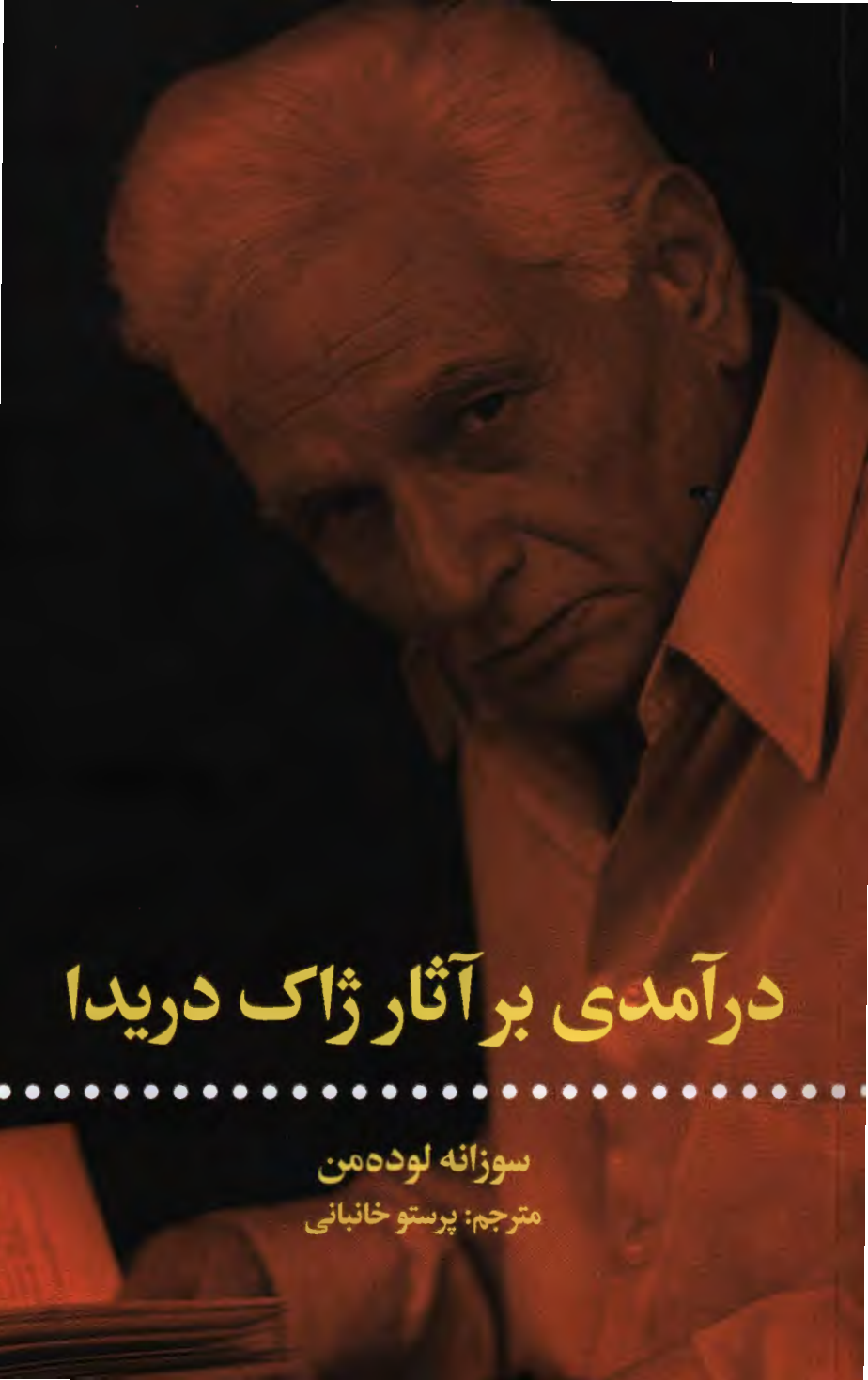




درآمدی بر آثار ژاک دریدا

سوزانه لوده‌من
مترجم: پرستو خانبانی

سرشناسه: لودمان، زوزانه، ۱۹۶۰ - م.
 عنوان و نام پدیدآور: درآمدی بر آثار ژاک دریدا/ زوزانه لودمان؛ مترجم: پرستو خانیانی.
 مشخصات نشر: تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۹۷.
 مشخصات ظاهری: شانزده، ۱۸۰ ص.
 شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۴۳۶-۲۹۱-۷
 وضعیت فهرست‌نویسی: فیا
 موضوع: دریدا، ژاک، ۱۹۳۰ - ۲۰۰۴ م. -- نقد و تفسیر
 موضوع: Criticism and Interpretation -- Demida, Jacques
 موضوع: فیلسوفان فرانسوی
 موضوع: Philosophers -- France
 موضوع: فلسفه فرانسوی -- قرن ۲۰ م.
 موضوع: Philosophy, French -- 20th Century
 موضوع: فلسفه جدید -- قرن ۲۰ م.
 موضوع: Philosophy, Modern -- 20th Century
 شناسه افزوده: خانیانی، پرستو، مترجم
 شناسه افزوده: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی
 شناسه افزوده: Elmi - Farhangi Publishing Co.
 رده‌بندی کنگره: B ۲۳۳۰/د۴۹ ۱۳۹۷
 رده‌بندی دیویی: ۱۹۴
 شماره کتابشناسی ملی: ۵۱۲۲۴۷۹

درآمدی بر آثار ژاک دریدا

سوزانه لودمان

پرستو خانیانی

۱۳۹۷

۱۰۰۰ نسخه

انتشارات علمی و فرهنگی

شرکت چاپ و نشر علمی و فرهنگی کتیبه

آدرس: تهران، خیابان نلسون ماندلا (افریقا)، چهارراه حقانی (جهان کودک)، کوچه



شرکت انتشارات علمی و فرهنگی

اداره مرکزی و مرکز بخش: خیابان نلسون ماندلا (افریقا)، چهارراه حقانی (جهان کودک)، کوچه
 کمان، پلاک ۲۵؛ کدپستی: ۱۵۱۸۷۲۴۳۱۳؛ صندوق پستی: ۹۶۴۷ - ۱۵۸۷۵؛ تلفن اداره مرکزی:
 ۸۸۶۷۷۴۵۶۹؛ فکس: ۸۸۷۷۴۵۷۲؛ تلفن مرکز بخش: ۲۹ - ۸۸۶۶۵۷۲۸؛ تلفکس: ۴۵ - ۸۸۶۷۷۴۴۴
 آدرس اینترنتی: www.elmifarhangi.ir info@elmifarhangi.ir
 وبسایت فروش آنلاین: www.farhangishop.com
 فروشگاه مرکزی (پرنده آبی): خیابان نلسون ماندلا (افریقا)، بین بلوار گلشهر و ناهید، کوچه گلفام،
 پلاک ۷۲؛ تلفن: ۳ - ۲۲۰۲۴۱۴۰
 فروشگاه یک: خیابان انقلاب، رویه‌روی در اصلی دانشگاه تهران؛ تلفن: ۱۶ - ۶۶۹۶۳۸۱۵ و ۶۶۴۰۰۷۸۶
 فروشگاه دو: میدان هفت تیر، خیابان کریمخان زند، بین قائم مقام فراهانی و خردمند، پلاک ۱۳؛
 تلفن: ۷ - ۸۸۳۴۳۸۰۶
 فروشگاه سه: خیابان کارگر شمالی، رویه‌روی پارک لاله، نبش کوچه ستاره، نمایشگاه و فروشگاه
 محصولات فرهنگی سازمان تأمین اجتماعی، پلاک ۱

فهرست مطالب

پیش در آمد..... هفت

مقدمه: میراث دریدا..... نه

۱. مدخل: نسل ها، تبارشناسی ها، ترجمه ها و زمینه ها..... ۱

۱-۱. درباره «نسل سه H» تا «سه استاد سوءظن»..... ۱

۲-۱. «ساختار شکنی تاریخ هستی شناسی» و «دازاین به منزله امر میانی»

(هایدگر)..... ۷

۳-۱. مرکزیت زدایی از فاعل شناسا (سوژه) و نقد ارزش های اخلاقی (فروید،

نیچه)..... ۱۶

۴-۱. بحران زبان، چرخش زبان شناختی و ساختارگرایی (سوسور)..... ۲۳

۲. مدخل: متافیزیک حضور و ساختار شکنی کلمه محوری..... ۳۵

۱-۲. آوا و نوشتار (گراماتولوژی)..... ۳۶

۲-۲. روند خوانش: معکوس سازی و تغییر مفاهیم..... ۴۷

۳-۲. برخی از پیامدها (استعاره و مفهوم، ادبیات و فلسفه)..... ۵۹

۴-۲. تمنای حضور و زنجیره مکمل ها (روسو)..... ۶۷

۳. مدخل: آنچه غیرقابل ساختارشکنی است — وجود دارد (آیا وجود دارد؟) ۷۹
- ۳-۱. زور - حق - عدالت ۸۰
- ۳-۲. بشارت پیشکش و پیشکش بشارت ۹۹
۴. مدخل: ساختارشکنی و دموکراسی ۱۱۳
- ۴-۱. زمان امر سیاسی ۱۱۳
- ۴-۲. ~~ماورای~~ برادری (سیاست‌های دوستی) ۱۲۱
- ۴-۳. مصونیت خودبه‌خود و «کورا»ی آنچه دموکراتیک است ۱۳۴
- پی‌نوشت‌ها ۱۵۵
- علائم اختصاری برای کتاب‌ها ۱۵۹
- برگزیده‌ای از کتاب‌شناسی دریدا ۱۶۱
- دیگر نوشته‌ها درباره آثار دریدا ۱۷۳
- بیوگرافی دریدا ۱۷۷

پیش‌درآمد

انتشارات یونیوس^۱ از بدو تأسیس در سال ۱۹۷۸ با نشر این سری از کتاب‌های جیبی خود سعی کرده است در مداخل مختلف فلسفی نیز وارد شود. گام نخست این انتشارات، تلاش برای قابل درک کردن دانش فلسفه برای عموم و نیز هموار کردن راه برای ورود به بنیان‌های مختلف فلسفی بوده است و بر این اساس، کتاب‌های به‌چاپ‌رسیده در دهه هشتاد راهنمایی قابل اطمینان در راه پرپیچ‌وخم و دشوار فلسفه نوین به شمار می‌آید. این سلسله از کتاب‌های انتشارات یونیوس، با ترکیب علم و تحلیل انتقادی، الگویی جدید در سبک ابداع کرده است.  گاهی لازم است در آن حیطه‌هایی از علوم که وضوح و روشنای خود را از دست می‌دهند به دنبال راهنماهایی جدید بود. برخی از رشته‌های علوم انسانی، به‌مثابه علوم مرتبط با فرهنگ، خود را نو ساخته‌اند و رشته‌های جدید و نقاط ثقلی نظیر علوم رسانه‌ها، تاریخ علوم یا علوم تصویری را به وجود آورده‌اند و رشته‌های اصلی علوم انسانی و اجتماعی نیز همانند علوم طبیعی با چالش‌هایی تازه مواجه شده‌اند.

این تغییرات در رشته‌های آکادمیک تغییراتی صرفاً صوری نیست، بلکه

تغییراتی اساسی در خاستگاه ترتیب و اعتبار هریک از علوم است. با توجه به این روندها، وظیفه این پیش‌درآمد پیگیری منظم، درست و واضح این تغییرات است.

«پیش‌درآمد» برای کسانی نوشته شده است که می‌خواهند نویسنده‌ها اعم از سرشناس یا کمتر سرشناس و نیز موضوعات مختلف را بشناسند و بر آن‌اند تا مسائل کلاسیک و حیطه‌های پژوهشی جدید را از زاویه‌ای تازه و معتبر بنگرند.

«پیش‌درآمد» را نویسندگانی نوشته‌اند که نه فقط دیدگاهی قابل اطمینان به مسائل مطروحه دارند، بلکه دیدگاه مستقل خود را نیز بیان می‌کنند. منتقل کردن مفاهیم به معنای کم‌رنگ کردن آن نیست و به همین نحو، معرفی بی‌کم‌وکاست مفاهیم هم به معنای کامل بودن آن نیست. نویسندگان این سری از کتاب‌ها درباره همه مطالب و موضوعات موضع‌گیری خاص خود را دارند و می‌توان رد دیدگاه‌هایشان را در تک‌تک این کتاب‌ها پی گرفت.

«پیش‌درآمد»، در مقیاسی وسیع، جایگاهی است برای موضوعاتی که تحت لوای گسترده علوم انسانی و مرتبط با فرهنگ قرار می‌گیرند و در هر مورد خاص نشان‌دهنده این است که امروزه اندیشه ورای علوم طبیعی قادر به انجام چه کارهایی است.

«پیش‌درآمد»، در عین وفادارماندن به متون اصلی، جریانی از ایده‌ها، بینش‌ها و دانسته‌ها را حول آن محور اصلی مطرح می‌کند.

میشائیل هاگنر^۱

دیتر تومه^۲

کورنلیا ویسمن^۳

1. Michael Hagner

2. Dieter Thomä

3. Cornelia Vismann

مقدمه: میراث دریدا

این که عقاید فلاسفه را دریابیم و تشریح کنیم یک چیز است، اما این که آنچه در باب آن سخن می‌گویند، نکته به نکته با آنان مطرح کنیم و به بحث بنشینیم کاملاً چیز دیگری است.

(مارتین هایدگر، فلسفه چیست؟)^۱

ما باید از جایی آغاز کنیم درست از همان جایی که هستیم [...] همان جایی که همیشه هستیم؛ یعنی از درون همان متنی که گمان می‌کنیم در آن حضور داریم.
(G 280 - 281)

هنگامی که ژاک دریدا در اکتبر ۲۰۰۴ در پاریس چشم از جهان فرو بست، در رسانه‌ها سوپرستار عالم فلسفه محسوب می‌شد. دروسی که در دانشکده نورمال سوپریور^۲ و بعدها در دانشکده دئوتوزتودو^۳ تدریس می‌کرد در سالن‌هایی برگزار می‌شد که مملو از شنوندگان مشتاقی بود که از سراسر جهان برای شرکت در درس‌های او بدان جا

1. Martin Heidegger, *Was ist das – die Philosophie?*

2. École Normale Supérieure

3. École des Hautes Études

می‌شتافتند. هر بار که دربارهٔ موضوعاتی نظیر «سیاست‌های دولتی» یا «پرسش‌هایی در باب مسئولیت» سخن می‌گفت، کلمه به کلمه‌اش در ضبط صوت‌های مستمعان پُرشور ضبط می‌شد.

آثار او به چهل زبان ترجمه شده‌اند. اکثر دانشگاه‌های معتبر جهان او را به عنوان استاد مهمان دعوت می‌کردند و او سخنرانی‌هایی برگزار می‌کرد و ۲۵ دانشگاه به او دکترای افتخاری اعطا کردند. در مصاحبه‌های بسیاری در باب مسائل فلسفی و رخدادهای مطرح روز اظهار نظر کرده است. حتی دو فیلم دربارهٔ او ساخته شده است که با اطمینان از علاقهٔ مخاطبان به ژاک دریدا در مقام فیلسوف و همچنین به زندگی خصوصی وی و بیوگرافی‌اش پرداخته‌اند. چنین استقبالی از یک فیلسوف حتی ژاک دریدا، که نوشته‌های بسیاری دارد، کمی غیرعادی است. از سویی، دوره‌ای که در آن فلسفه در ذهن عموم نقشی راهبردی ایفا می‌کرد دیگر سپری شده است، چراکه مردم پاسخ پرسش‌های تازه‌شان را بیشتر در بیولوژی و علوم اعصاب می‌جویند تا در فلسفه و از سوی دیگر، محبوبیت دریدا با درجهٔ دشواری متون او نسبتی معکوس دارد. اگرچه «ساختارشکنی» در دهه‌های هشتاد و نود میلادی در عالم تئوری‌ها به مدی فراگیر بدل شد، درواقع فقط عدهٔ معدودی متونی را می‌خواندند که در این زمینه به چاپ می‌رسید. از برخی جهات می‌توان گفت توجه رسانه‌ها به دریدا درک و پذیرش متون وی را حتی با مانع مواجه می‌کرد و به‌ویژه در آلمان و امریکا باعث می‌شد وی را شارلاتانی بدانند که عقایدش مُد شده است و کارش را لفاظی‌هایی فریب‌کارانه بدانند و مردود بشمرند و بدین ترتیب آثارش را مطالعه نکنند.

اما این پیش درآمد قصد ندارد خواندن متون دریدا را به کناری نهد یا مطلب دیگری را جایگزین آن کند. چراکه کنار گذاشتن یا جایگزین کردن این متون به دو دلیل اشتباه است: نخست این که حجم متونی که به نام ژاک دریدا منتشر شده است بسیار بیش از آن است که در یک پیش درآمد به تفصیل بیان شود، تفسیر شود یا حتی خلاصه شود. این حجم، برحسب نوع شمارش کتاب‌ها، بین ۲۵ تا ۴۰ کتاب را دربر می‌گیرد و همچنین مجموعه‌های بسیاری از مقالات و انتشارات مجزای بی‌شماری را نیز شامل می‌شود، وانگهی از هزاران صفحه‌ای که

پس از مرگ دریدا از وی به جا مانده و چاپ نشده است و در آرشیو کریتیکال تئوری^۱ در دانشگاه کالیفرنیا در ایرواین^۲ نگهداری می‌شود نیز سخنی به میان نیاوردیم (دو جلد نخست از سخنان وی در سمینارهای دانشگاهی تحت عنوان *لا بت اِلو سوورن*^۳ در سال‌های ۲۰۰۸ و ۲۰۱۰ در انتشارات گالیلو در پاریس به چاپ رسیده است). دلیل دوم این که در این کتاب می‌خواهیم به خود مطلب بپردازیم. اساساً هرکس که اهل خواندن باشد و ساختارشکنی در سلسله‌مراتب مطالعاتش تقدم خاصی هم نداشته باشد، می‌داند که نمی‌توان خواندن تفسیری را که بر متنی نوشته شده است جایگزین خواندن خود آن متن کرد، هر قدر هم که آن تفسیر سرشار از معرفت و شناخت و پُرمحتوا باشد و مرجعی آکادمیک آن را نوشته باشد. به عقیده دریدا، نقش کلاسیک تفسیر — یعنی آنچه را که نویسنده گفته یا ادعا کرده است یک بار دیگر کوتاه‌تر، نظام‌مندتر و روشن‌تر بیان کنیم — دیگر قابل استفاده نیست، مگر به قیمت قضاوت نادرست درباره موضوع بحث آن تفسیر (مقایسه شود با قسمت ۲-۳ همین کتاب).

از این رو این پیش‌درآمد نمی‌خواهد جای پیش‌درآمدهای دیگری را بگیرد که در این زمینه نوشته شده‌اند و برحق و مفیدند، بلکه بر آن است راه درک آثار دریدا را برای خواننده هموار کند به این نحو که تمامی مسیرهایی را که مؤلف این کتاب طی سالیان برای درک بهتر این متون طی کرده است برای خواننده ترسیم کند. این مسیرها همواره مسیرهایی معین در میان سایر مسیرهای ممکن‌اند و نشانه‌هایی را از خوانش آکادمیک یا شخصی مؤلف با خود دارند. در این مورد راه دیگری وجود ندارد، چرا که خواندن یعنی خلق کردن «ساختاری قابل توجه، ساختاری که تازه به واسطه خواندن ایجاد می‌شود» (G 273 مقایسه شود با قسمت ۲-۱ و ۲-۲ همین کتاب).

همچنین این کتاب با در نظر داشتن مخاطبان خاص آن نوشته شده

1. Critical Theory Archive

2. Irvine

3. *La bête et Le souverain*

است. این مخاطبان، در وهله‌ی نخست، دانشجویان رشته‌های علوم انسانی و سپس همه‌ی کسانی‌اند که چه آکادمیک چه خارج از این حیطه به فلسفه و سیاست علاقه‌مندند و برای ورود به این مداخل به راهنمایی نیاز دارند؛ ازجمله توضیح مفاهیم، بیان پیش‌شرط‌ها و نشان‌دادن چارچوب‌های تاریخی و موضوعی دارای ابهام. در این زمینه، این کتاب بر آن است تا میان تبیین و تشریح «عقاید» از یک سو و «صحبت کردن» درباره‌ی آنچه گفته شده است از سوی دیگر تعادل را حفظ کند. منظور از «صحبت کردن» درباره‌ی چیزی — در این جا (یا شاید همواره) بیشتر «نوشتن» درباره‌ی چیزی است یا به عبارت دیگر «پرداختن» به چیزی در معنای مدّ نظر فروید — بنابر عقاید ژاک دریدا شکلی از به‌ارث‌بردن است؛ یعنی شکلی از گرفتن و انتقال دادن آنچه به ما رسیده است. هرچند دریدا را «نیهیلیست» و «نابودکننده‌ی سنت‌ها» نامیده‌اند، اما او اغلب تأکید می‌کرد ما وارث آن سنت فلسفی و سیاسی‌ایم که مسئولیتش را برعهده گرفته‌ایم. البته نمی‌توان این میراث را به‌سادگی تبیین کرد این میراث میراثی است ناهمگن، دارای تضاد و ناهماهنگ. «آنچه در وجود کسی به وی به ارث می‌رسد، هیچ‌گاه یکدست نیست» (اشباح مارکس)^۱.

میراث^۲ هیچ‌گاه از یکدستی ذاتی برخوردار نیست. اگر آن وحدت ظاهری هم وجود داشته باشد، ناشی از اختیار است و اثباتی دوباره است به‌واسطه‌ی انتخاب. مجبوربودن یعنی پالودن، غربال کردن، نقد کردن. باید میان احتمالات گوناگونی که در درون یک اختیار نهفته‌اند گشت [...] اگر بتوان میراثی را به‌سادگی و به‌طور طبیعی شفاف و واضح خواند و اگر چنین میراثی به تفسیر نیاز نداشته باشد و چالشی برای تفسیر ایجاد نکند، یعنی اساساً میراثی برای انتقال دادن وجود ندارد. همان‌طور که می‌توان از یک علت طبیعی و ژنتیک متأثر بود می‌توان از یک میراث هم متأثر بود. همیشه رازی را به ارث می‌بریم. آن راز به ما می‌گوید: «مرا بخوان! آیا اساساً قادر به خواندن من هستی؟» (MG 36).

1. Marx' Gespenster, 1993

۲. آن روایاتی که به ما می‌رسد. — م.

این امر در مورد میراث دریدا نیز صادق است، حجم عظیمی از متون که در واحد یک کتاب (یا کتاب به منزله یک واحد، به منزله یک اثر) نمی گنجد و با آن تطابق نمی یابد. موضوعات طرح می شوند، تقسیم بندی می شوند، حذف می شوند تا در جای دیگری مثلاً در یک سخنرانی یا کتاب دیگر دوباره ظاهر شوند، مورد پردازش مجدد قرار گیرند، در آن ها تغییر ایجاد شود و به تعمق درباره آن ها ادامه داده شود. یک کتاب محصول «پانویس» های کتابی دیگر است و مقدمه کتابی خواهد بود که هنوز نگاشته نشده است. تجربه گرایی در مورد این شکل از متون تا جایی می تواند روشمند باشد که مفهوم فلسفی روش به منزله روشی استنتاجی و گام به گام در جهت شناخت حقیقت در عمل نفی می شود (به دلایلی که درباره آن سخن خواهیم گفت). آثار دریدا نظامی منطقی از نظریاتی نیست که تغییر را از A به B بازسازی کند. بلکه بیشتر شبکه ای باز است از ارجاعات، «بافتی از نشانه ها» (SD 443)، فضایی نوشتاری و فضایی از افکار و اندیشه ها که خوانش ها در آن جا انباشته شده اند، انگیزه هایی برای پاسخ دادن به یکدیگر، نقاطی که تفاسیر در آن جا تلاقی می کنند جهتشان را تغییر می دهند و دوباره از هم مجزا می شوند. این فضای نوشتاری و اندیشه ورزی از جهات خاصی همان فضای سنتی است که دریدا خود را وارث آن می دانست و معرف آن بود، در وهله نخست در جایگاه خواننده متون متعلق به این فضا. با دریدا، خواندن (خواندن به منزله میراث و میراث به منزله انتقال توأم با تغییر و تحول این میراث) فی نفسه به عملی فلسفی بدل شده است. از این رو، از اهداف این پیش درآمد روشن ساختن مفهوم «خواندن» از دیدگاه ساختار شکنی است. به همین دلیل روش این کتاب، خواندن متون مختلفی است که برای نمونه انتخاب شده اند و نه سعی در ارائه تصویری کلی (مثلاً نوشتن در باب... یا «تشریح عقاید»). آنچه به شکل کلاسیک این نوع پیش درآمد نویسی ها مربوط می شود کروئولوژی و ترتیب مطالب است که سعی در حفظ آن داشته ایم. پس از اختصاص یک بخش به مقدمه ای بر شرایط تاریخی - فلسفی ساختار شکنی، مطالبی که در پی آن می آید عمدتاً به همان ترتیبی اند که متون دریدا نوشته شده اند یا به چاپ رسیده اند. بر این اساس، ترتیب خاصی از موضوعات یا تغییری در

رویکرد قابل مشاهده خواهد بود. اگر متون نگاشته شده تا اوایل دهه هشتاد بیشتر حول مفهوم نشانه، نوشتار، متن، تمایز و تغییر این مفاهیم در جهت ساختارشکنی متافیزیکِ حال می‌چرخند، متونی که در اواخر دهه هشتاد تا زمان مرگ دریدا نوشته شده‌اند بیشتر به مسائل اخلاقی و سیاسی معطوف‌اند و همچنین تأکید می‌کنند بر شرایط ساختارشکنی که البته خود این شرایط فی‌نفسه غیر قابل ساختارشکنی‌اند (مقایسه کنید با فصل سوم همین کتاب). این‌که چرا نقد زبان از اخلاق و ساختارشکنی هستی‌شناسی از اندیشه در باب یک «دموکراسی آتی»، از یکدیگر تفکیک‌ناپذیرند موضوع بحث ماست. و اما سخنی هم درباره آنچه در این کتاب بدان نمی‌پردازیم:

کتاب مهم دریدا تحت عنوان شیشه: ناقوس مردگان^۱ (۱۹۷۴)، مقاله مهم دریدا تحت عنوان «حقیقت در نقاشی»^۲ (۱۹۷۸) که طی آن به هگل و ژان ژنه^۳ پرداخته است و مقاله دیگر وی به نام «لمس، ژاک - لوک نانسی»^۴ (۲۰۰۰) که هر دو این مقالات درباره نقد فلسفی زیبایی‌شناسی و اندیشه درباره جسمانی‌بودن است. همچنین پرداختن دریدا به هوسرل^۵ را نیز، که نخستین مقالاتش را به او اختصاص داده است، صرفاً به‌طور گذرا طرح خواهیم کرد. رابطه میان ساختارشکنی و تحلیل‌های روان‌شناختی و همچنین رابطه میان ساختارشکنی و ادبیات هریک فصلی جداگانه را می‌طلبد که از دایره بحث این کتاب خارج است، البته در باب اهمیت هر دو این مباحث، برای جایگاه ساختارشکنی در گستره تئوری‌های معاصر، در چند جا سخن خواهیم گفت. اما دلیل نپرداختن به این موضوعات ذکر شده از سویی محدودبودن حجم کار در قالب یک پیش‌درآمد و از سوی دیگر ارزش‌گذاری‌هایی شخصی است و این‌که مؤلف کتاب کدام مطلب را مهم‌تر از مطالب دیگر دیده است. در این کتاب، از میان همه موضوعاتی که دریدا طرح کرده است به آن‌هایی پرداخته‌ایم که تأثیرشان از مرزهای آکادمیک

1. *Glas: Totenglocke*

2. "Die Wahrheit in der Malerei"

3. Jean Genet

4. "Berühren, jean-Luc Nancy"

5. Husserl

فراتر رفته و بر اندیشه و اعمال ما تأثیر گذاشته است. در ذیل جمله‌ای از دریدا نقل می‌کنیم که تبیین‌کننده جایگاه ساختارشکنی است:

ساختارشکنی از لحاظ نتایج و تأثیراتش نمی‌خواهد در دایره گفتمان‌های نظری و آکادمیک صرف محصور باقی بماند و مدعی است که نتایجی دربر دارد که تغییردهنده، تأثیرگذار و پُرمسئولیت است و درعین حال در حیطه‌های بسیاری کارایی دارد: ساختارشکنی نه فقط در حیطه کاری، بلکه در فضای اجتماعی^۱ و آنچه شهر^۲ یا به عبارتی کلی‌تر جهان نامیده می‌شود نیز تأثیرگذار است (GK 18 f.); مقایسه شود با قسمت ۳-۱ همین کتاب).

و این که آیا این تأثیرگذاری و ثمربخشی پس از مرگ دریدا کماکان امکان‌پذیر خواهد بود، در وهله نخست به آمادگی نسل بعد از او بستگی دارد تا میراث وی را بگیرند، نوشته‌هایش را بخوانند، آن‌ها را مورد پژوهش قرار دهند و به نقد بکشند و با گزینش از میان این نوشته‌ها، مهر تأییدی بر آثار او بزنند. حتی اگر درنهایت این مطالعات و این گزینش را هر فرد به طریقه خاص خود انجام دهد، باز هم یک پیش‌درآمد می‌تواند جهت کمک در پیدا کردن آن مسیر شخصی مؤثر باشد. البته این کار ساده‌ای نیست به‌ویژه در آلمان، چراکه در حیطه دانشگاهی اساساً به مقولاتی نظیر ساختارگرایی و تحلیل‌های روان‌شناختی بها داده نشده است. زبان‌شناسان همه چیز می‌خوانند مگر سوسور، روان‌شناسان همه چیز می‌خوانند مگر فروید و فلاسفه هم اساساً نمی‌دانند با دریدا و امثال او چه کنند. از این نظر، از زمان دانشجویی من در دهه ۱۹۸۰ چیز زیادی عوض نشده است، جار و جنجال رسانه‌ها درباره دریدا در مقام روشنفکر همانند قبل با گوش‌های ناشنوا و مقاومت در برابر هر آنچه به او مربوط می‌شود، مواجهه است. تفسیر من درباره علت وجودی ساختارشکنی این است که آن را تلاشی می‌دانم در جهت ایجاد یک شکل مسئولیت‌پذیر از فلسفه‌ورزی

1. cite

2. polis

«پس از آشویتس». البته دریدا خود هیچ‌جا چنین چیزی را به‌وضوح بیان نکرده است (مگر آن‌که جایی در میان نوشته‌هایی که پس از مرگش از وی باقی مانده است، به مسئولیت‌پذیری فلسفه «پس از آشویتس» اشاره کرده باشد)، و هیچ‌جا هم دربارهٔ این‌که هر بار به‌نوعی متفاوت از آدورنو^۱ نقل قول کرده است، توضیحی نمی‌بینیم (منابع موثق ما را در این مورد به سمینارهای آخر او ارجاع می‌دهند). میان آدورنو و دریدا تمایزات بسیاری وجود دارد، اگر بخواهیم این تمایزات را به‌اختصار بیان کنیم، باید بگوییم از دید آدورنو، «تمایز»^۲ هویتی است که در خود محصور و رها نشده است یا هویتی است آشتی‌ناپذیر، حال آن‌که از دید دریدا تمایز شکلی از تأثیر نفس است که غیر قابل رفع و همچنین اثباتی است. با این وصف، شکلی از خویشاوندی میان تئوری انتقادی و تئوری ساختارشکنی وجود دارد که تصادفی نیست و بر مبنای این قصد و نیت شکل گرفته است که از فجایع (اروپایی) قرن بیستم نتایج حاصل شود و دقیقاً همین میراث به دست آید تا در آینده چنین فجایعی مجدداً رخ ندهد.

ما نمی‌توانیم این مسئولیت را رد کنیم، بلکه چنان‌که دریدا می‌گوید: ما در قبال گذشته و آینده مسئولیم چه بخواهیم چه نخواهیم. همچنین بار مسئولیت است که ما را به خواندن وادار می‌کند.

ما باید از نقطه‌ای که ایستاده‌ایم شروع کنیم. از جایی که هستیم مثلاً از متنی که فکر می‌کنیم در آن‌ایم، شاید درست از همین‌جا.

شیکاگو، نوامبر ۲۰۱۰

1. Adorno

2. *différance*